مسعود امیرخانی به بهانه تقریظ رهبری بر کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب» با «ایران» در میان گذاشت

روایتی خواندنی درباره تنها مادر شهید ژاپنی کشورمان

زکیه جورابراهمیان/ کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب» نوشته مشترک حمید حسام و مسعود امیرخانی روایت خاطرات کونیکو یامامورا (سبا بابایی)، مادر شهید محمد بابایی است که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در عملیات والفجر یک، در منطقه فکه به شهادت رسید؛ زنی که وی را به عنوان تنها مادر شهید ژاپنی در کشورمان می‌شناسند. اطلاعاتی درباره «مهاجر سرزمین آفتاب» را که پیش‌تر تقریظ رهبری بر آن منتشر شده در گفت‌وگوی امروز «ایران» با مسعود امیرخانی یکی از نویسندگان این کتاب می‌خوانید.

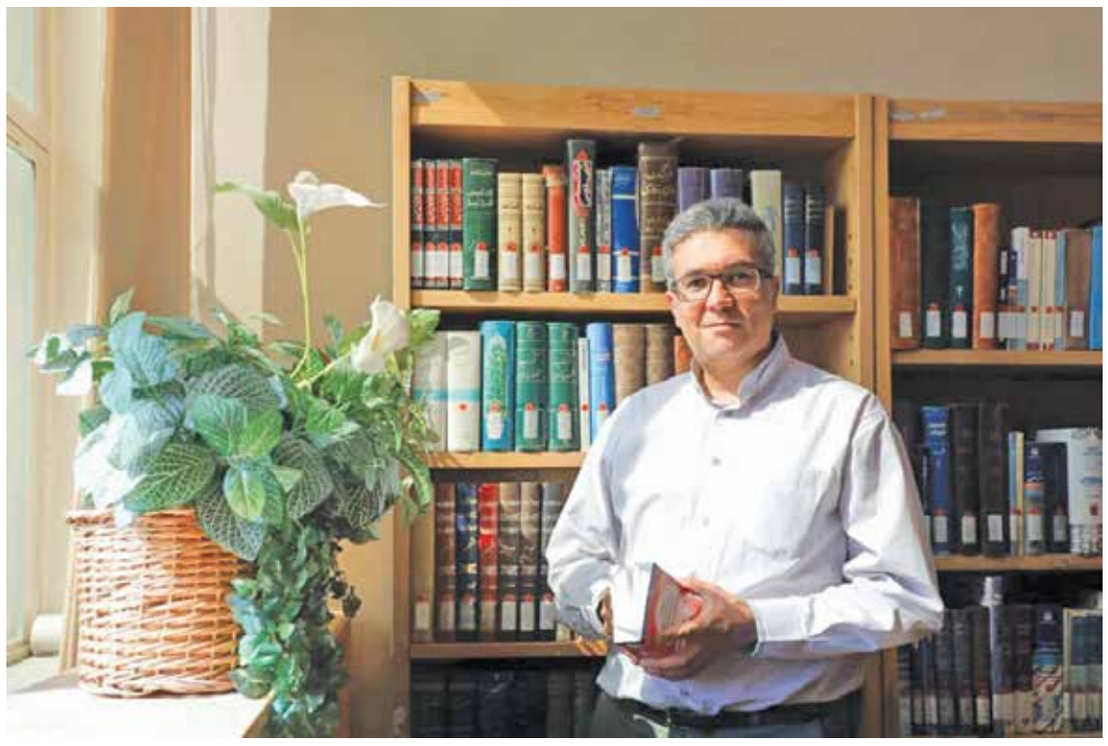

■ **قبل از همه درباره دلایل نوشتن کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب» بگویید و اینکه چرا سراغ خاطرات کونیکو یامامورا (سبا بابایی) رفتید؟**

ایده کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب» در سفر مشترک آقای حمید حسام (نویسنده اصلی کتاب) و خانم بابایی (راوی کتاب) شکل می‌گیرد. آقای حسام در سفر به ژاپن همسفر خانم سبا بابایی می‌شود و از همان زمان جرقه نوشتن کتاب شکل می‌گیرد. خانم بابایی (کونیکو یامامورا) در یکی دو دهه پایانی زندگی‌شان عمدتاً به فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و تربیتی روی آورده بودند. اگر بخواهم خیلی دقیق‌تر اشاره کنم، بعد از شهادت فرزندشان و برای اینکه بتوانند تا حدودی بار سنگین شهادت فرزند را جبران کنند به فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و تربیتی رو می‌آورند. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان همکاری با موزه صلح بوده است. به همت موزه صلح هر سال، در سالگرد فاجعه اتمی هیروشیما و ناکازاکی عده‌ای از جانبازان شیمیایی کشورمان به همراه تعدادی از هنرمندان و ورزشکاران عازم ژاپن می‌شوند. خانم بابایی در کسوت مترجم با این موزه همکاری داشت و همراه جانبازان، هنرمندان و نویسندگان بود. در یکی از همین سفرها آقای حسام، که خودشان هم جانباز هستند، از مسیر تهران به دوبی و از دوبی به توکیو با خانم بابایی همسفر می‌شود و درباره جزئیات ورود خانم بابایی به ایران و چگونگی شهادت فرزندشان صحبت می‌کنند. در همین گفت‌وگوهای اولیه، ایده نگارش خاطرات زندگی ایشان شکل می‌گیرد و در ادامه، خانم بابایی هم راضی می‌شوند به بیان کل خاطرات زندگی‌شان از کودکی تا آن روز بپردازند. بر همین اساس قرارهایی شکل گرفت و کار تحقیق، جمع‌آوری و نوشتن خاطرات شروع شد.

■ **زمانی که نوشتن کتاب را شروع کردید صرفاً به مصاحبه و گفت‌وگو اکتفا کردید یا از پژوهش‌ها و داشته‌های قبلی مرتبط هم استفاده کردید؟**

در حال حاضر عمده فعالیت‌های خاطره نگاری به یک پژوهش ابتدایی یا به قول سینماگران به پیش تولید نیاز دارد. این مسأله بویژه درباره خانم بابایی صادق بود که یک چهارم از عمر خود را در کشور ژاپن گذراند. آن سال‌ها مصادف با دهه ۲۰ شمسی بود. بنابراین آشنایی ما به‌عنوان نویسندگان «مهاجر سرزمین آفتاب» با فرهنگ آن زمان ژاپن و نکاتی که برای یک دختر جوان ژاپنی در مقطع زمانی مذکور اهمیت داشته خیلی مهم بود. موضوعاتی که پرداختن به آنها نیازمند تحقیق بود که خب من و آقای حسام هم انجام آن را در اولویت برنامه‌ریزی خود قرار دادیم. زمانی که گفت‌وگوها شروع شد، از خانم بابایی درخواست کردیم متناسب با خاطراتی که بیان می‌کنند، عکس ها و سوابق مرتبط را نیز به ما نشان دهند تا هم برای خودش یادآوری شود و خاطرات را بهتر به یاد بیاورند و هم برای ما گویا باشد. وقتی که گفت‌وگوهای ما با خانم بابایی تمام شد، به سراغ دو فرزند ایشان که یک دختر و پسر هستند رفتیم و با آنها نیز صحبت کردیم. همچنین با همسایگان و اعضای مسجدی که فرزندان ایشان از آنجا به جنگ اعزام شدند و همسر خانم بابایی (مرحوم اسدالله بابایی) همیشه در آنجا نماز می‌خواند، صحبت کردیم. با دوستانی از جمله آیت‌الله موحدی کرمانی که دوست آقای بابایی بودند هم صحبت کردیم. به عبارتی گفت‌وگوهای تکمیلی و موازی داشتیم با افرادی که ایشان را می‌شناختند و کار پژوهشی و تحقیقی به‌صورت کامل انجام شد. زمانی که تمام اطلاعات گردآوری شد، جناب حسام شروع به نوشتن کتاب کردند.

■ **نگارش این کتاب چند سال طول کشید؟**

از آشنایی و دیدار با خانم بابایی و انجام گفت‌وگوها هفت سال زمان صرف شد، اما نگارش کتاب نزدیک به یک و نیم تا دو سال طول کشید. ما هر دو هفته یکبار در منزل خانم بابایی جلسه داشتیم و در کنار آنها، مصاحبه‌های تکمیلی انجام شد. در کل بعد از حدود دو سال کار نگارش این کتاب به پایان رسید.

■ **طی این دو سالی که صرف نگارش کتاب کردید با دشواری‌های خاصی روبه رو شدید؟**

دشواری خاصی نداشت و خوشبختانه خانم بابایی تا حد نسبتاً کاملی خاطرات و مسائل را به یاد داشتند. مثلاً اینکه مادربزرگ ایشان همه را جلوی رادیو جمع کرده تا نطق رادیویی پادشاه ژاپن در جنگ جهانی دوم را بشنوند به یاد داشت. مقاطعی هم که با خلأ اطلاعاتی مواجه می‌شدیم، سعی می‌کردیم با مراجعه به اسناد و عکس‌ها به یادآوری دقیق خاطراتشان کمک کنیم. همچنین فرزندان ایشان در یادآوری بسیاری از موضوعات به ما کمک کردند. خداروشکر مشکل خاصی برای نگارش این کتاب نداشتیم.

■ **از نقش اسدالله بابایی در گرایش کونیکو یامامورا به دین اسلام بگویید؟**

اسدالله بابایی در تزریق و شناساندن فرهنگ کشور ما و فرهنگ اسلام به همسرشان نقشی مهم و تأثیرگذار داشتند. ایشان با یک نگاه معتدل و به نوعی رحمانی، دین اسلام و فرهنگ ما را به خانم یامامورا یاد می‌دهند.

■ **انتشار این کتاب در خود ژاپن بازخوردی داشته؟**

سال گذشته کارهای مقدماتی برای انتشار این کتاب به زبان ژاپنی صورت گرفته اما هنوز منتشر نشده تا شاهد بازخوردی از سمت خوانندگان ژاپنی باشیم. اما کتاب تاکنون به ۷ زبان دیگر ترجمه شده است و در آیین رونمایی کتاب به زبان اردو، ناشر پاکستانی از استقبال خوب مخاطبان اردوزبان از این کتاب صحبت می‌کرد. قبل از اینکه خانم بابایی بیمار شوند و رسانه‌ها و مردم به کتاب توجه بیشتری نشان دهند، در طول یک سال ۱۰ بار تجدید چاپ شده بود. این اتفاق نشان می‌دهد که مخاطبان کتاب را پسندیده‌اند. الان هم فکر می‌کنم بالای چاپ بیستم باشد.

■ **در پاسخ چند سؤال قبل اشاره کوتاهی به یکی از ضرورت‌های خاطره‌نگاری کردید. با تکیه بر مواردی از این دست، وضعیت امروز خاطره‌نگاری را در کشورمان چطور ارزیابی می‌کنید؟**

در این زمینه پژوهشی نکرده‌ام و در نتیجه اطلاعات و آمار دقیقی درباره سؤال شما ندارم و بر همین اساس نمی‌توانم از وضعیت خاطره نگاری در شرایط امروز کشور سخن بگویم. اما آنچه واضح است اینکه تکانه‌های بزرگ تاریخی مانند انقلاب یا جنگ در هر کشور تمام ارکان آن را با التهاب مواجه می‌کند و در پی آن ادبیات و هنر متولد می‌شود. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، شهادت، اسارت و جانبازی بخشی از رزمندگان و مردم ما را به همراه داشت و نقش مادران و زنانی که در پشت جبهه فعالیت می‌کردند قابل توجه بود. ادبیات و هنر نمی‌تواند به این حوادث و اتفاقات بی‌تفاوت باشد. یکی از گونه‌های ادبی که خاصه بعد از جنگ با رشد سریع و چشمگیری آغاز شد و همچنان هم ادامه دارد (فارغ از ارزش‌گذاری و پرداختن به نقاط قوت و ضعف آن)، خاطره‌نگاری است. نوشتن خاطرات، جدا از بهره‌هایی که از نظر تاریخی و مردم شناسی و جامعه شناسی برای فضای فرهنگی کشور دارد، پاسداشتی از رشادت‌ها و اتفاقات رخ داده شده است. پاسداشت مادرانی که چشم انتظار فرزندانی بودند که آنها را راهی جبهه‌های جنگ علیه دشمن کرده بودند. خاطرات زنان با موضوع دفاع مقدس امری است که در ۱۰ الی ۱۲ سال اخیر بیشتر به آن توجه و پرداخته شده است چرا که پیش از این ما بیشتر خاطرات مردان را در جنگ داشتیم تا مادران و همسران آنها. بنابراین این کتاب و کتاب‌هایی از این دست می‌توانند تصویری کوچک از روزگار آن دوره مهم تاریخ کشورمان را پیش چشم مخاطبان بیاورد و در کنار سایر تصاویر، بتواند شناختی کامل از آن دوره را به دست دهد.

■ **با توجه به شرایط امروز جامعه، تألیف چنین آثاری را چقدر ضروری و اثرگذار می‌دانید؟**

ما در کشورمان مادران شهدای زیادی داریم که برخی از آنها حتی ۵ شهید برای دفاع از کشور هدیه کرده‌اند. داستان زندگی این مادران، زندگی خودشان، ازدواجشان، تولد فرزندانشان، نحوه تربیت و ویژگی‌های فرزندان و... جالب توجه است. درباره کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب»، خب خانم بابایی زنی ژاپنی بودند که با فردی ایرانی ازدواج می‌کنند و به ایران مهاجرت می‌کنند. ایشان در طول عمرشان شاهد اتفاقات بزرگی در پیرامونشان بودند؛ در دوران کودکی، پایان جنگ جهانی و فاجعه اتمی هیروشیما را می‌بینند. در میانسالی، انقلاب و جنگ را تجربه کنند. فرزندشان به جبهه می‌رود و شهید می‌شود. به فعالیت‌های اجتماعی رو می‌آورند. چرا نباید به سرگذشت چنین آدمی پرداخت؟ در مستند نگاری یکی از ارکان اصلی، سوژه است. وقتی ما با یک چنین سوژه‌ای مواجه هستیم، قطعاً هر عقل سلیمی می‌گوید لازم است که راجع به ایشان کتابی نوشته شود و خاطرات این خانم ثبت شود. بنابراین به نظرم شنیدن سرگذشت چنین فردی با این مشخصات شنیدنی و از جهات مختلف اثرگذار به نظر می‌رسد.

نبرش

کونیکو یامامورا (سبا بابایی) با تاجری ایرانی به نام اسدالله بابایی در ژاپن آشنا می‌شود، مسلمان شده و بعد از یک سال زندگی در ژاپن به ایران مهاجرت می‌کند و باقی عمر خود را در ایران زندگی می‌کند. در طول این ۶۰ سال زندگی حوادث بزرگ و مختلفی را از سر می‌گذراند که تنها دو مورد آن انقلاب و جنگ تحمیلی بوده است.

فایسال سویسال از تجربه ساخت «درخت خاموش» به «ایران» گفته است

به دنبال درونیات انسان‌ها هستم

مژده متین پور/ فایسال سویسال، شاعر و کارگردانی از سینمای ترکیه است که از دانشگاه هنر تهران فارغ التحصیل شده است. دومین فیلم سینمایی او، «درخت خاموش» به‌عنوان محصول مشترک ایران و ترکیه با سرمایه‌گذاری شبکه TRT ترکیه و بنیاد سینمایی فارابی در گروه سینمای هنر و تجربه در حال اکران است. «درخت خاموش» که تاکنون ۲۱ جایزه بین‌المللی دریافت کرده است، در فهرست نامزدهای نماینده اسکار ترکیه ۲۰۲۳ قرار دارد و عوامل فنی مراحل پس از تولید این فیلم از سینمای ایران هستند. اکران «درخت خاموش» در ایران از روز چهارشنبه، شانزدهم شهریور در سینماهای گروه هنر و تجربه آغاز شده است. سردار اورچین، سزین آکباش اوغلو، مرت یاووزکان و کوبرا کیپ در این فیلم ایفای نقش کرده‌اند. «درخت خاموش» درباره زندگی نویسنده‌ای است که در مرز جدایی از همسرش قرار دارد و در همین حین برملا شدن رازی از زندگی گذشته پدرش او را در مسیر جدیدی قرار می‌دهد.

■ **چطور شد که تصمیم گرفتید در تولید فیلم سینمایی دوم‌تان به سراغ ایران بیایید؟**

«درخت خاموش» اولین همکاری من با ایران نیست، چون من در ایران تحصیل کرده‌ام و از دانشگاه هنر تهران فارغ‌التحصیل شده‌ام. در همان دوران هم یک فیلم با هم دانشکده‌ای‌هایم ساختیم که تجربه بسیار خوبی برایم بود و این فیلم هم کلی جایزه گرفت. بعد از آن هم برای مراحل پس از تولید فیلم اولم به سراغ هنرمندان ایرانی آمدم چون در ایران دوستان خوبی داشتم و دستمزد آنان هم برایم مناسب بود. فرشاد نیکومنش فیلم‌ام را تدوین کرد، هوتن حق‌شناس تصحیح رنگ‌اش را انجام داد و بازهم آقای محسن روشن کارم را صداگذاری کرد و حتی برای موسیقی فیلم هم قطعه‌ای از کیهان کلهر را انتخاب کردیم. بنابراین از قبل تجربه خوبی از کار با ایرانیان داشتم و بعد که شنیدم بنیاد سینمایی فارابی از فیلم‌های تولید مشترک حمایت می‌کند، طرح فیلم‌ام را فرستادم و آن‌ها نیز قبول کردند. همچنین آقای علی نوری اسکویی هم قبول کرد به‌عنوان تهیه‌کننده با فیلم‌ام همکاری کند.

■ **شما در فیلم «درخت خاموش» در کنار دیگر نویسندگان ترک به صادق هدایت، نویسنده ایرانی اشاره می‌کنید. آیا او را می‌شناسید؟**

بله، او بسیار معروف است و داستان‌هایش را خیلی دوست دارم، چون فضای فیلم‌های من اغلب سوررئال است. رمان «بوف کور» او را خوانده‌ام و تحت‌تأثیرش قرار گرفتم، رمان شاهکاری است و ما در ادبیات ترکیه هم نویسنده‌ای به نام احمد حلمی از فیلیبه داریم که رمانی مشابه هدایت نوشته است. بیشتر فیلم‌هایی که تاکنون ساخته‌ام فضایی بین رؤیا و واقعیت داشته‌اند، فقط در فیلم «درخت خاموش» است که به سمت فضای رئالیستی معاصر روز رفته‌ام. با اینکه حتی در این فیلم هم صحنه‌ای بین رؤیا و واقعیت وجود دارد؛ در جایی که حیاتی خودش را جای پدرش می‌گذارد. من فکر می‌کنم حتی به خاطر شباهت شخصیت حیاتی و نویسنده «بوف کور» مخاطب فکر می‌کند که حیاتی هم به سرنوشت او دچار می‌شود.

■ **به کتاب‌های دیگری هم در طول فیلم اشاره می‌کنید، یکی از آنها رمان «جنایت و مکافات» داستایفسکی است. چرا به این رمان هم اشاره کردید؟**

من چندین بار رمان «جنایت و مکافات» را خوانده‌ام و تحت‌تأثیر آن قرار گرفتم. البته در آن رمانِ شخصیت اصلی کاری را گردن می‌گیرد که واقعاً انجام داده است، در حالی که «حیاتی»، شخصیت فیلم من از این نظر متفاوت است و اگر قرار باشد او را با شخصیتی از ادبیات روسیه مقایسه کنیم، به نظر من بیشتر به رمان «برادران کارامازوف» نزدیک است. چون او هم پدرش را نکشته، ولی چون همیشه می‌خواسته پدرش را بکشد، اعلام می‌کند که من او را کشتم. البته به غیر از رمان داستایفسکی، شخصیت کتاب «کافکا» هم مثل حیاتی عمل می‌کند. او هم به‌دلیل جرمی دستگیر می‌شود که اصلاً نمی‌داند آن جرم چیست. شخصیت حیاتی هم این مسیر را طی می‌کند، جامعه از او انتظار دارد که جرم را بپذیرد. در ابتدا او مشکل‌اش را با گذشته پدرش حل می‌کند، چون پدرش بعد از کودتا دچار عذاب وجدان شده است، او شاهد شکنجه دوستش بوده و حتی مجبور شده تا مرگ او را لاپوشانی کند و بعد مجبور به خودکشی می‌شود چون طاقت تحمل این عذاب وجدان را ندارد. زمانی که این اتفاق برای حیاتی می‌افتد، آنجاست که او پدرش را درک می‌کند، جایی که خودش شاهد قتلی می‌شود و نمی‌تواند کاری انجام دهد. بعد از آن است که حیاتی تصمیم می‌گیرد مسئولیت گناه دیگری را برعهده بگیرد. هنر و قصه به او کمک می‌کنند که از این ماجرا عبور کند. این همان اتفاقی است که برای ما، هنرمندانی که در ترکیه زندگی می‌کنیم می‌افتد چون ما نمی‌توانیم آثار خودمان را به خاطر اتفاقات سیاسی بسازیم و حیاتی راهی برای این مشکل نشان می‌دهد. از سمت دیگر ما همسر حیاتی را داریم که من به عمد می‌خواستم او را به سمت‌وسویی ببرم که در جایی بیننده احساس کند اگر هم حیاتی واقعاً او را کشته باشد، حق دارد و اتفاق بدی هم نیست. البته همسر حیاتی دلایل خودش را دارد ولی دوست داشتم این شخصیت گاهی نفرت‌انگیز باشد. تلاش کردم او شخصیت خاکستری باشد، چون در ترکیه جنبش فمینیست بسیار قوی است و نمی‌خواستم با آنها درگیر شوم. فقط می‌خواستم نشان بدهم که حیاتی تلاش می‌کند تا او را راضی کند، ولی در نهایت حرف اصلی این بود که هرچقدر هم او بد باشد، به‌عنوان یک انسان حق نداریم حق حیات را از کسی بگیریم. حیاتی هم می‌خواهد این حرف را ثابت کند.

■ **ولی به نظر می‌رسد می‌خواستید به خشونت علیه زنان اشاره کنید. البته شما به خشونت علیه مردان هم اشاره می‌کنید. در واقع گویی شما به خشونت علیه بشریت اشاره می‌کنید، درست است؟**

من هنرمندی نیستم که فیلم‌های اجتماعی بسازم. بیشتر به درونیات انسان‌ها علاقه‌مند هستم ولی در کشور ترکیه اتفاقات تلخ مبنی بر خشونت علیه زنان زیاد اتفاق می‌افتد که دوست داشتم به آن اشاره کنم. می‌خواستم ببینم اگر مردی در این جامعه که انتظار خشونت دارد، همسرش را نکشته باشد، چه اتفاقی می‌افتد. او مجبور می‌شود که این جرم را برعهده بگیرد و اگر این کار را می‌کند به خاطر حیله‌گری اوست یا می‌خواهد ثابت کند که مرد قوی است یا علت دیگری دارد. من به‌دنبال درونیات انسان‌ها هستم و بعد از خواندن رمان‌های داستایفسکی، کافکا و... دلیل دیگری پیدا کردم.

■ **چرا از ستاره‌های معروف سریال‌های ترکی در ساخت فیلم «درخت خاموش» استفاده نکردید؟ این به خاطر بودجه بود یا عدم تمایل خودتان؟! در ایران بسیاری از کارگردانان هنری ترجیح می‌دهند از چنین سلبریتی‌هایی در فیلم‌هایشان استفاده نکنند، آیا در سینمای ترکیه هم این روال وجود دارد؟**

متأسفانه بازیگران معروف سریال‌های ترکی وقت زیادی برای حضور در سینما ندارند و از طرف دیگر من فکر نمی‌کنم ستاره‌های خیلی معروف از پس این کار بربیایند. من با بازیگران بسیاری برای همکاری صحبت کردم، البته بازیگرانی که در فیلم «درخت خاموش» هستند هم بسیار معروف‌اند ولی دنیای سینمای ترکیه با سریال‌هایش تفاوت زیادی دارد. بازیگران این سریال‌ها به سختی می‌توانند برنامه‌های فیلمبرداری‌شان را با سینما تطبیق بدهند. اگر آنها را دعوت به همکاری کنید، باید مطابق برنامه‌های آنها پیش بروید. فیلمی مثل «درخت خاموش» نیاز به بازیگری دارد که انگیزه و حوصله لازم را داشته باشد. بودجه تأثیرگذار است ولی بسیاری از بازیگران معروف ترکیه برای بازی در یک فیلم خوب حاضر هستند دستمزدهایشان را پایین بیاورند، چون سینما چیز دیگری است و برای آنها هم مهم است که فیلم‌های خوب در کارنامه خودشان داشته باشند. این خودش انگیزه خوبی برای بازیگران است.

برگزاری مراسم جشنواره در روستاهای برگزیده به جای پایتخت

فرهنگی/ در نشستی که روز گذشته (۱۰ مهرماه) در معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، ۹ روستای برگزیده و یک روستای استمرار (که فعالیت مستمر کتابخوانی دارد) به‌عنوان برگزیدگان جشنواره «روستاها و عشایر دوستدار کتاب» معرفی شدند. یاسر احمدوند، معاون فرهنگی وزارت ارشاد، در این نشست ضمن اعلام تغییراتی در اجرای جشنواره در این دوره اعلام کرد که امسال بر خلاف ادوار گذشته قرار است مراسم در خود روستاها و با حضور مسئولان فرهنگی و مشارکت‌کننده در این جشنواره برگزار شود. او درباره تغییرات در اجرای جشنواره به ایسنا، توضیح داد: «در دوره‌های گذشته در یک مراسم در پایتخت، روستاها را معرفی می‌کردند، امسال قرار است در خود روستاها حاضر شویم و مسئولان فرهنگی و مشارکت‌کننده در این جشنواره را نیز به روستا دعوت کنیم و در آنجا این مراسم برگزار شود. این حضور حتماً کمک می‌کند تا از شرایط موجود آگاه شویم و بتواند نشانه توجه دولت مردمی به این روستاها باشد. در این مراسم حتماً از چهره‌های مرتبط با استان‌ها که به چهره‌های ملی تبدیل شده‌اند، استفاده خواهیم کرد. تلاش می‌کنیم با افزایش امکاناتی که در اختیار روستاها قرار می‌دهیم بتوانیم تحولی در این روستاها داشته باشیم.»

رونمایی از آثار اسنادی و پژوهشی در حوزه دفاع مقدس

چهارمین دوره مراسم «یادها و نام‌ها» در موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با حضور پیشکسوتان دوران هشت سال دفاع مقدس برگزار شد. در این مراسم از خانواده سرداران باب‌الله کیاشمشکی، میرزامحمد سلگی، مهدی ورشابی، سیدمسعود موحدی و مهدی مهدوی‌نژاد تقدیر شد. رونمایی از ۲۰۰ اثر اسنادی و پژوهشی در حوزه دفاع مقدس از دیگر برنامه‌های این مراسم بود. کتاب‌های «نبرد میمک؛ شرح عملیات عاشورا»، «نبرد حاج عمران؛ شرح عملیات کربلای ۲»، «زمین‌های مسلح؛ شرح نبرد لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) در عملیات‌های والفجر مقدماتی و والفجر ۱» از آثاری هستند که در حوزه مطالعات نبردی منتشر شده و در این مراسم رونمایی شدند./ **ایسنا**

امکان تماشای کارتون برای کودکان ناشنوا

کارتون‌های ایرانی همراه با مترجم ناشنوایان برای کودکان بازتولید می‌شود. این اتفاق در پی توافقی که میان مرکز پویانمایی صبا و شبکه دو سیما برای تولید پویانمایی ویژه ناشنوایان صورت گرفت، عملیاتی خواهد شد. در همین خصوص نیز به نقل از روابط عمومی صداوسیما آمده: «با توجه به اینکه در کشور تعداد زیادی از کودکان ناشنوا و کم‌شنوا هستند که محصولات فرهنگی بسیار اندکی برای آنها تولید می‌شود، در همین راستا مرکز پویانمایی صبا با همکاری شبکه دو اقدام به بازتولید این انیمیشن‌ها کرده است. این آثار برای کودکان کم‌شنوا یا ناشنوا تولید می‌شود تا بتوانند مانند سایر کودکان از آثار اختصاصی خود در آنتن رسانه ملی برخوردار شوند.» گفتنی است از کارتون‌های «جنگل فندق»، «آقا معلم و بچه‌ها»، «سلام بر ابراهیم»، «رعنا دختر دهقان»، «ماهی بادکنکی»، «گولوبولا»، «میچکا»، «قاصدک‌ها»، «جعبه جورواجور»، «همه جور ماجرا»، «همسایگان جنگل»، «کوچولوهای کنجکاو»، «دنیای آبی» و «معماهای فرید» به‌عنوان آثاری نام برده شده که با مترجم ناشنوا بازتولید می‌شوند./ **ایسنا**

بهره‌مندی ۴۱ هزار فعال فرهنگی هنری از بیمه درمان تکمیلی

مجموعه صندوق اعتبار هنر با انتشار گزارش آماری از ثبت‌نام ۴۱ هزار فعال فرهنگی هنری در حوزه بیمه درمان تکمیلی خبر داد.

در بخشی از این گزارش آمده: «بیش از ۴۱ هزار نفر از فعالان فرهنگی و هنری کشور و افراد تحت تکفل برای برخورداری از خدمات بیمه درمان تکمیلی سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ ثبت‌نام کردند که بر این اساس ۴ درصد در طرح امید، ۷۴ درصد در طرح آرامش و ۲۲ درصد در طرح رفاه قرار دارند.»

گفتنی است هرساله حق بیمه درمان تکمیلی اعضایی که ناتوان در تأمین هزینه ثبت‌نام هستند، توسط صندوق تأمین و پرداخت می‌شود که این تعداد در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ نفر است. بر اساس آمار ثبت‌نام بیمه درمان تکمیلی اهالی فرهنگ، هنر، رسانه و فعالان قرآن و عترت، بالاترین تعداد ثبت‌نام‌شدگان بیمه درمان تکمیلی در سال ۱۴۰۱ مربوط به دو استان تهران و البرز است. بر اساس آمار موجود از کل متقاضیان بیمه درمان تکمیلی سال ۱۴۰۱، استان «تهران» با سهم بیش از ۵۴ درصد از جمعیت کل، بالاترین سهم را از میان استان‌های کشور به خود اختصاص داده است. استان‌های «البرز»، «اصفهان»، «گیلان» و «خراسان رضوی» پس از استان تهران قرار دارند. کمترین آمار ثبت‌نام بیمه درمان تکمیلی به ترتیب مربوط به استان‌های «خراسان جنوبی»، «خراسان شمالی»، «سیستان و بلوچستان»، «کهگیلویه و بویراحمد» و «هرمزگان» است./ **روابط عمومی صندوق اعتباری هنر**